

این سبک از قدرت در سینما را
چطور و با چه مقدار آسیب یا منفعت
می بینید؟

دوست دارم شرایطی پیش بیاید که من به دفتر این دوستان بروم و پول چای شان را هم من حساب کنم. یقین بدانید کسی با من نمی تواند چنین کاری بکند. چند سال پیش هم این اتفاق در گنگ های انتخاب بازیگر رخ داده بود که یک عده مشخص در ساختمان های آتی ساز نشسته بودند برای سینمای ایران تعیین تکلیف می کردند. حالا به قول شما این سرمایه گذاران آمدند و شکل جدیدی از صاحب آدم ها شدن را در پیش گرفتند که آخرش را خدا می داند.

یعنی شما کلا با سرمایه گذار میلیاردری
بخش خصوصی مخالف هستید؟

برای آن هایی که در سینما پول می آورند و باعث احیای سینما می شوند کلاهم را برمی دارم اما اگر قرار است فرد، تجربه و تخصص نداشته باشد و مثلا در کستینگ فیلم دخالت کند من حاضر نیستم با این آدم حتی یک فنجان چای بخورم! در تمام دنیا تهیه کننده، اسکار می گیرد یعنی بعد از کارگردان نقش تهیه کننده را می نویسند. او کسی است که می داند سعید راد به درد این فیلم نمی خورد یا مناسب آن است و یا لوکیشن را مشخص می کند و تغییر می دهد. در فیلم «چ» خود ابراهیم حاتمی کیا کستینگ می کرد. یا مثلا آقای درویش بهترین کستینگ را در «دوئل» انجام داد. حالا این نقش را در حال حاضر پولدارها بازی می کنند که خیلی بد است.

و البته همین می شود که بازیگران
اصلی در اغلب فیلم ها شبیه هم شده
است چون چند سرمایه گذار مشخص
طبع شان فقط با چند بازیگر سازگار
است و یک سری سر تکراری روی
پرده می بینیم.

بعضی افراد در کستینگ فیلم ها یک وقت هایی گل می کنند که اتفاقا اصلا بازیگر هم نیستند. بعضی از همین بازیگران کسانی بودند که بازیگر درجه چند سریال های تلویزیونی بد چند سال پیش بودند. این ها زمانی می آیند در فیلم یا سریالی بازی می کنند و خودشان را می رقصانند و ادای زن ها را در می آورند و هر جنگل بازی در می آورند که دیده شوند بعد هم که دیده شدند خدا را بنده نیستند. اصلا من نمی فهمم چه خبر است؟! حالا نمی دانم چرا به همان کم دین ها نقش «سرباز رایان» را می دهند؟! (می خندد) این ها همان ها هستند ولی برای این که بگویند ما بازیگر خوبی هستیم هم اینجا بد هستند و هم آنجا! باور کنید بازیگرانی که الان می گویند مدام در فیلم ها هستند اصلا سینمای کلاسیک را نمی شناسند و نمی دانند چیست! ما در آن نسل، فیلم دیدیم و در آن نسل، بزرگ شدیم و فیلم های بزرگ سینما را در اکران دیدیم و سینما برایمان خیلی مقدس تر از این چیزهاست.



در کل هیچ چیز سر جای خودش نیست و هیچ کس هم سر جای خودش نیست.

نگرانی هایی که شما دارید قابل احترام و ادب معاشرت در کار کسی مثل استاد علی نصیریان هم وجود دارد و خاطرات مشابهی هم از ایشان شنیده ایم. اما آیا نسل شما نسلی بوده که به نظم و قواعد پایبند بوده یا وضعیت فعلی تولید و شکل مدیریت پشت صحنه در جهان هم به همین ترتیب است؟

رعایت نظم فقط برای سینما نیست در تمام سازمان های ما این موضوع وجود دارد. هر کسی باید سر ساعت از خانه بیرون بیاید. مثلا یک



در این سینما

ExpertSoft Trial Version

معلمی بیاید؟ سر صحنه است شما دارید راه را استباه می روید. جایی که من می گویم قواعد بازی به هم خورد، منظورم همین نظم در سینماست. مثلا من از بازیگر می پرسم خانم یا آقای این فیلم را قبول کردید؟ می گویند کارگردان فیلم فلانی است و فیلم قبلی اش خوب فروخت و دیده شد. من هم در جواب می گویم: من ۱۸ سال است که برگشته ام اما یک بار هم این اسم به گوشم نخورده است. شما برای خودتان چه تجزیه و تحلیل هایی دارید که با آن تصمیم می گیرید؟ اصلا معیار من فروش نیست، معیار من سینماست. وقتی در سینمایی اخلاق نباشد آن سینما کارش خوب پیش نمی رود! در این سینما برخی برای پیشبرد کارهایشان آن اوایل دروغ می گویند که من از آن متنفرم؛ مثلا به ما می گویند چهار ماه، اما کار ۱۰ ماه طول می کشد و پولش را هم نمی دهند. شاید فکر کنید واقعیت نداشته باشد اما من با بازیگری مواجه شدم که از فرط نیاز به پول طلبش از پروژه های، می خواست برود دفتر تهیه کننده و خودش را آتش بزند! این چه سینمایی است؟!

شما در یکی از مصاحبه هایتان از قدرت در سینما حرف زدید؛ به نظر می رسد که الان قدرت در دست چند سرمایه گذار است که حتی برای پروژه ها کست هم تعیین می کنند! یا حتی بازیگرانی را خریدارند که پول ماهیانه برایشان در نظر گرفته اند و سرمایه گذار شخصی شان شده اند.

له نشوید مجبور می شوید همگام با جریان آب شنا کنید. به این علت که یک نفر، دو نفر یا ده نفر دارند اشتباه می کنند شما نمی توانید سلاقی را تغییر دهید و آن جور که خودتان دوست دارید باشید. متأسفانه قواعد تصویر چه در سینما و تلویزیون و چه در نمایش خانگی به هم خورده است؛ مثلا اگر آفیش من ساعت ۸ صبح است و من ۱۰ دقیقه به ۸ به صحنه برسم همه تعجب می کنند که چرا من این قدر زود می آیم! یک مثال دیگر از جنبه ای دیگر برای شما می زنم؛ سر سریال «سرزمین کهن» بارها به تهیه کننده گفتیم پروژه شما شش ماه طول می کشد بنابراین اگر غذای خوب سر صحنه داشته باشیم انرژی عوامل زیاد می شود و در نتیجه همه با نشاط تر کار می کنند و پروژه هم بهتر پیش می رود. باور کنید اغلب تهیه کننده ها این موضوعات را نمی فهمند و انجام نمی دهند. با توجه به تجربه ای که دارم می گویم که مشکل معده در اجتماع ما به خصوص بین بازیگران کم نیست. بازیگر باید راحت باشد، روحش مدام در تنش نباشد و جنگ اعصاب و چالش در پروژه بنا به دلایل مختلف نداشته باشد. الان مثلا معضل ترافیک یا حتی گم کردن های مسیر در لوکیشن های خاص برای عوامل، در درس ساز شده است. شما می بینید چند نفر به دلیل ترافیک یا آدرس های عجیب صحنه، دیر می رسند و کار همه می خوابد و متوقف می شود، وقتی هم می رسد مطمئن باشید کارایی که باید ۷۰ درصد باشد به ۳۰ درصد می رسد یا پروژه های که بناسند در پنج ماه جمع شود تبدیل به ۱۱ ماه می شود. آخر آن کار هم کسی پول ندارد بدهد و همه بابت این بی پولی عصبی می شوند و می گویند اگر پولم را ندهید نمی آیم و یک به یک عوامل کم می شوند و کار زمین می خورد یا با بدترین کیفیت تمام می شود. این کارها مدیریت می خواهد، پروداکشن می خواهد. نمی شود که با زرنگی در همه چیز صرفه جویی کرد یا مثل کسانی که خروجی برایشان اهمیت ندارد اولین راه حل این باشد که بازیگر هنر جو یا عشق سینما را بیاورند و به او پول هم ندهند یا حتی از او پول هم بگیرند. حالا شما فرض کنید دیگر بازیگران حرفه ای آن پروژه باید با این هنر جوها هم کنار بیایند و همین سر آغاز کلی تنش و خستگی برای یک هنرمند حرفه ای است که نتیجه بی خردی تهیه کننده یا کارگردان است. خلاصه در پاسخ به سوالاتان باید بگویم بله، به شدت در برخی از پشت صحنه ها انرژی بازیگر گرفته می شود که این ها صرفا چند عامل بود که به شما گفتیم.